



غیررسمی شده است. لذا هیأت وزیران با هدف مدیریت یکپارچه و ایجاد وحدت رویه اقدام به تصویب سند ملی راهبردی احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری کرده است اما در ادامه و با توجه به این‌که این سند نیز به چشم‌انداز مطلوب خود درخصوص وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی دست نیافت، مبتنی بر جزء «۳» بند «الف» ماده (۱۲۰) قانون برنامه ششم توسعه، دولت مکلف به تهیه سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تا پایان سال دوم اجرای این قانون شد. البته تدوین سند مذکور نیز تاکنون به سرانجام نرسیده و صرفاً پیش‌نویس اولیه‌ای از آن در سال ۱۴۰۰ رونمایی شده است. در ادامه این مرکز به سازمان و نهادهای مسئول در زمینه سامان بخشی به حاشیه‌نشینی اشاره کرده و می‌گوید: «شرکت ملی بازآفرینی شهری ایران و سازمان امور اجتماعی کشور دستگاه‌های متولی اصلی در موضوع حاشیه‌نشینی هستند و طی دوره عملکردی قانون برنامه ششم توسعه در مجموع ۵۸۶ محله از سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور را تحت مداخله قرار داده‌اند.

علاوه بر آنها، در بخش دولتی ۱۸ دستگاه و در بخش غیردولتی (نهادهای، بنیادها و سازمان‌های غیردولتی) ۹ دستگاه در این زمینه ذی‌مدخل یا ذی‌نفع هستند. عملکرد حوزه بازآفرینی شهری در محدوده سکونتگاه‌های غیررسمی با وجود پیشرفت بسیار نسبت به سال‌های قبل از برنامه ششم، بسیار ضعیف‌تر از اهداف مورد نظر بوده است.

با این همه بزرگ و دوزخ قانونی، حاشیه‌نشینی اما هنوز در حاشیه است و تصاویر واقعی و بدون روتوش و فیلتر شهرها می‌گوید: هنوز این چالش، این بحران، تولی‌گری مشخصی ندارد و در زمین دستگاه‌های مختلف پاس‌کاری می‌شود، شرایطی که در نهایت باعث شده بخش بزرگی از خانوارهای ایرانی عملاً به عنوان شهروندانی درجه ۲ ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی باشند و باقی بمانند، غیررسمی به دنیا بیایند، غیررسمی زندگی کنند، غیررسمی بخورند و بیاشامند، غیررسمی دم بزنند و خرده‌فرهنگ‌های غیررسمی خودشان را بسازند و روزی خیلی غیررسمی رسماً در یک آمار غیررسمی بپیوندند!

بسیاری از این اقدامات علاوه بر این‌که بسیار ناکافی و محدود هستند حتی گاهی به صورت درون دستگاهی نیز واگرایی دارند. این موضوع باعث هدررفت منابع مالی و انسانی بسیاری می‌شود در حالی که بیش از هر چیز حل این موضوع به مدیریت یکپارچه و اقدامات همگرایانه هم در دولت و هم توسط مردم نیازمند است.»

یک بام و دو هوا

پیش از اقداماتی که امروزه دولت در برابر این پدیده انجام داده و به شدت ناکافی هم به نظر می‌رسند، سیاست‌های برخورد دولت با این پدیده نیز در طول زمان رویه واحد و یگانه‌ای نبوده و همچون بسیاری از مواقع که راه برخورد با چالش‌ها در ایران در مرحله ابتدایی مسیر برخورد غیرکارشناسانه و یافتن راه حل صرفاً از مسیر آزمون و خطا بوده این چالش نیز از این منظر این مسیر صعب را پشت سر گذاشته است. با این همه در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که روی پایگاه اطلاع‌رسانی این مرکز منتشر شده به ناکارآمدی و عدم رسیدن به نقطه مطلوب قوانین تدوین شده در این زمینه اشاره و می‌نویسد: «فرآیند سیاست‌گذاری در زمینه حاشیه‌نشینی از برنامه عمرانی سوم پیش از انقلاب آغاز شده و ادامه یافته؛ عمده‌ترین ضعف برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب، غلبه نگاه کالبدی و غفلت از وجوه اجتماعی بوده است.

در عموم برنامه‌ها و اقدامات صورت گرفته بعد از انقلاب اسلامی نیز رویکرد کالبدی غلبه داشته و از وجوه اجتماعی-فرهنگی غفلت ورزیده شده است؛ در این زمینه، تدوین سند ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، نقطه عطفی در مسیر توجه به ابعاد غیرکالبدی سکونتگاه‌های ناکارآمد محسوب می‌شود اما به دلایل مختلف، فرآیند انتظام بخشی نهادی و سازمانی مبتنی بر این سند پیش نرفته و نقص قوانین، برنامه‌ها و اقدامات جایگزین، باعث تداوم گسترش سکونتگاه‌های

مسعودی فرید:
مناطق حاشیه‌ای و سکونتگاه‌های غیررسمی یک برچسب بزرگ بر پیشانی دارد و آن برچسب بزهکاری‌های اجتماعی آشکار و نهان است حال آن‌که در این مناطق بسیاری از افراد و خانواده‌های نجیب، اخلاق‌مدار و بهنجاری در آنجا زندگی می‌کنند

شامل می‌شوند؛ اتباع افغانستانی غیرمجاز که خود بحران‌های امنیتی بسیاری ایجاد کرده و آمار مشخص و دقیقی نیز به دلیل نبود سازوکارهای مناسب مهاجرتی از آنان در دست نیست که این از خلأهای قانونی نشأت گرفته و باید فکری جدی برای آن شود. افرادی که در کشور بدون مجوز، بدون پرداخت مالیات به راحتی از یارانه‌های سوخت، مواد غذایی، نان و... استفاده می‌کنند.»

اما این تمام علت‌های حاشیه نیست، غیر از آنچه مسعودی فرید به آنان اشاره کرد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی که در سال ۱۴۰۱ منتشر کرده است عللی چون وجود اقتصاد نامولد، عدم تعادل منطقه‌ای، بی‌عدالتی‌های اجتماعی، تمرکز سرمایه‌گذاری دولتی بر شهرها، بورس بازی مسکن، تورم به خصوص در بخش زمین و مسکن، ضعف در سیاست‌گذاری‌ها و نظارت بر اجاره‌نشینی شهری، ناکارآمدی و ناتوانی مدیریت شهری، ضعف در تدوین مقررات شهری کاربری زمین چون طرح‌های تفصیلی و جامع شهری، بی‌توجهی به علل مهاجرت گسترده روستا به شهر از جمله تنش‌های آبی و گردوغبار را باعث و بانی افزایش و تشدید حاشیه‌نشینی بیان کرده است.

اما از آنجاکه اقدام در برابر چالش‌ها در کشور معمولاً زمان تبدیل آن به بحران و فاجعه به تأخیر می‌افتد و مسئولان گردوغبار خانه را تا آنجاکه ممکن است به زیر فرش هل می‌دهند، حاشیه‌نشینی نیز به دور از اقدام مؤثر و به موقع از چالشی در دیروز به بحرانی فاجعه‌آمیز در امروز مبدل شده است اما اقدامات چاره‌ساز چه زمانی قرار است کارساز بیفتد؟ متخصص امور اجتماعی در این باره می‌گوید: «حداقل ۱۰ سازمان و نهاد مسئول رسیدگی به موضوع حاشیه‌نشینی هستند و اقداماتی نیز از سوی برخی از دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای همچون بهزیستی، کمیته امداد، شهرداری و وزارت راه و شهرسازی و... انجام شده است اما اندکی دقت و بررسی میدانی نشان می‌دهد.